

خاورشناسان و ابن عباس

تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان
در مورد آثار تفسیری منسوب به ابن عباس

نویسنده

نصرت نیل س



تهران ۱۳۹۳

سرشناسه : نیل ساز، نصرت، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: خاورشناسان و ابن عباس؛ تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار
 تفسیری منسوب به ابن عباس / نویسنده: نصرت نیل ساز.
 مشخصات نشر : تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : بیست، ۳۶۶ ص: مصور، جدول، نمودار.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۴۱۷-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۳۹ - ۳۵۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 یادداشت : نماییه.
 عنوان دیگر : تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس.
 موضوع : ابن عباس، عبدالله بن عباس، ۳-۶۸ ق.
 موضوع : خاورشناسان -- دیدگاه درباره اسلام
 موضوع : خاورشناسان -- دیدگاه درباره تفاسیر شیعه
 موضوع : خاورشناسان -- دیدگاه درباره قرآن
 موضوع : خاورشناسان
 شناسه زوده : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 رده‌بندی : ۲۸۶/۷۰۹/۶۱ DS
 رده‌بندی دیویی : ۹۲۰-۹۵۰
 شماره کتابشناسی : ۴۶۱۰۸۱

شناسان و ابن عباس
 تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس
 نویسنده: نصرت نیل ساز
 چاپ نخست: ۱۳۹۳، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۲۰۰۰ نسخه
 حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتبه
 حق چاپ محفوظ است.



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

- اداره مرکزی: خیابان افریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳
 صندوق پستی: ۹۶۴۷-۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲
 آدرس اینترنتی: info@elmifarahangi.ir www.elmifarahangi.ir
 ○ مرکز پخش: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان افریقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه گلغام، پلاک ۷۲
 کدپستی: ۱۹۱۵۶۷۳۴۸۳؛ تلفن: ۴۳-۲۲۰۲۴۱۴۰؛ تلفکس: ۲۲۰۵۰۳۲۶
 آدرس اینترنتی: info@ketabgostar.com www.ketabgostar.com
 ○ فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۴۰۰۷۸۶

فهرست مطالب

مقدمه	سیزده
فصل اول: مطالعات اسلامی غرب	۱
قرآن پژوهی در غرب	۲
مطالعات قرآنی در قرون اولیه	۲
ردیه یوحناى دمشقى	۲
ردیه نیکتاس	۳
ترجمه قرآن	۴
مطالعات قرآنی جدید	۴
مطالعات درباره محتوا و سبک قرآن	۵
مطالعات درباره تأثیرپذیری اسلام از سایر ادیان	۵
مطالعات لغوی - معنایی	۷
مطالعات درباره سبک قرآن	۹
تاریخ گذاری قرآن	۱۰
مطالعات تفسیری	۱۲
حدیث پژوهی در غرب	۱۵
آرای خاورشناسان درباره وثاقت احادیث	۱۵
آرای گولدتسیهر	۱۸

۲۰	نقد آرای گولدتسیهر
۲۰	نقد روش شناختی
۲۲	نقد شواهد و مستندات
۲۸	آرای شاخت
۲۹	تشکیک در وثاقت احادیث فقهی
۳۰	آرای شاخت درباره سند
۳۱	نقد آرای شاخت
۳۱	آغاز به کتبی
۳۲	رواج
۳۳	یک متن با سند
۳۴	اصلاح و بهبود
۳۶	تکثیر طرق
۳۸	تحلیل و نتیجه گیری
۴۱	شیوه های خاورشناسان در تاریخ گذاری حدیث
۴۲	تاریخ گذاری بر اساس قدیمی ترین منبع
۴۳	رویکرد متن محور
۴۵	رویکرد سند محور
۴۷	رویکرد تحلیل متن و سند
۴۸	تاریخ گذاری بر اساس بازسازی منابع اولیه
۴۹	فصل دوم: بررسی و نقد رویکرد شکاکانه جان ونزبرو
۴۹	روش و نظریه ونزبرو
۵۱	روش شناسی ونزبرو: تحلیل ادبی
۵۵	نظریه ونزبرو درباره تدوین قرآن در قرن سوم
۵۵	عدم اشاره به قرآن در منابع غیر اسلامی قرن اول هجری
۵۶	عدم اشاره به قرآن در منابع اسلامی دو قرن نخست هجری
۵۷	تحلیل ادبی متن قرآن

نقد روش و نظریه ونزبرو	۶۰
نقد روش ونزبرو	۶۱
تناقض در روش	۶۱
امکان نتیجه‌گیری‌های تاریخی متفاوت از تحلیل ادبی	۶۲
نقد نظریه ونزبرو درباره تدوین قرآن در قرن سوم	۶۶
اشاره به قرآن در منابع غیر اسلامی قرن اول هجری	۶۶
نقد النوی سوم به عمر بن عبدالعزیز	۶۷
رساله یونس دماستی	۶۹
شواهد باستان‌شناسی	۷۱
نسخه‌های خطی قرآن	۷۱
کتیبه‌های قبة الصخرة	۷۲
کتیبه‌های مسجدالنبی	۷۳
پاپروس‌ها و سکه‌های قرن نخست	۷۴
اشارات غیرمستقیم منابع تاریخی	۷۵
اشاره به قرآن در منابع اسلامی دو قرن نخست هجری	۷۷
تحلیل ادبی قرآن	۸۱
فصل سوم: خاورشناسان و مسئله وثاقت و تاریخ‌گذاری متون تفسیری	۸۵
رویکرد تحلیل ادبی	۸۵
تفاسیر داستانی	۸۷
تفاسیر فقهی	۹۱
تفاسیر متنی	۹۲
اختلاف قرائات	۹۲
تبیین واژگان قرآن	۹۳
تبیین نحوی	۹۶
تفاسیر بلاغی	۹۷
تفاسیر تمثیلی	۹۸

۹۹	رویکرد بررسی و تحلیل سند
۹۹	هورست و تحلیل اسناد تفسیر طبری
۱۰۲	گلدفلد و بررسی اسناد تفسیر ابن عباس
۱۰۳	رویکرد بررسی متن و سند
۱۰۴	تاوت و بررسی تفسیر مجاهد
۱۰۶	بهاوی و پدیده‌ای عجیب در تفسیر مجاهد
۱۱۰	ستخ و بررسی متون تفسیری اولیه
۱۱۰	وثائق متون تفسیری اولیه
۱۱۴	ابزار تفسیری و تفاسیر سده‌های نخست
۱۲۰	برگ و بررسی روان تفسیری ابن عباس در تفسیر طبری
۱۲۷	فصل چهارم: عبدالله بن عباس
۱۲۷	تاریخ زندگی
۱۲۸	در محضر پیامبر (ص)
۱۲۹	در ایام خلفا
۱۳۲	در ایام خلافت علی (ع)
۱۳۲	جنگ جمل
۱۳۴	جنگ صفین
۱۳۹	جنگ نهروان
۱۴۱	پس از شهادت علی (ع)
۱۴۳	مواضع فکری - سیاسی ابن عباس
۱۴۴	دفاع از شایستگی اهل بیت (ع) برای خلافت
۱۴۴	اعتقاد به وجود نص بر خلافت علی (ع)
۱۴۵	تبیین شایستگی علی (ع) برای خلافت
۱۴۶	خویشاوندی با پیامبر (ص)
۱۴۷	رفع شبهات
۱۴۸	کرامت قریش از اجتماع نبوت و خلافت در خاندان پیامبر (ص)

سن کم، دوستی خاندان عبدالمطلب، و شوخ طبعی.....	۱۴۹
قتل عثمان.....	۱۵۰
نشر فضایل اهل بیت (ع).....	۱۵۰
بیان مثالب دشمنان اهل بیت (ع).....	۱۵۵
دفع از سیاست‌های علی (ع).....	۱۵۷
فصل پنجم بررسی و تحلیل انتقادی تفسیر منسوب به ابن عباس.....	۱۵۹
ابن عباس از نگاه خاورشناسان.....	۱۵۹
آثار تفسیر منسوب به ابن عباس.....	۱۶۱
آرای خاورشناسان درباره تفسیر منسوب به ابن عباس.....	۱۶۱
دیدگاه ونزبرو.....	۱۶۲
عناصر تفسیری و سبک تفسیری (تفسیر منسوب به ابن عباس).....	۱۶۲
نتیجه‌گیری تاریخی.....	۱۶۵
بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو.....	۱۶۶
نقد تحلیل ادبی ونزبرو.....	۱۶۶
نقد شیوه ونزبرو در تاریخ‌گذاری متون.....	۱۶۹
دیدگاه ورستیخ.....	۱۷۱
بررسی و نقد.....	۱۷۳
دیدگاه ریپین.....	۱۷۳
دیدگاه ریپین درباره سند.....	۱۷۴
بررسی و مقایسه نسخه‌های تفسیر منسوب به ابن عباس.....	۱۷۵
نفی انتساب به فیروزآبادی.....	۱۷۵
بررسی و نقد.....	۱۷۶
نفی انتساب به کللی.....	۱۷۶
بررسی و نقد.....	۱۷۷
انتساب به ابومحمد عبدالله بن محمد بن وهب دینوری.....	۱۷۸
تاریخ‌گذاری تفسیر منسوب به ابن عباس.....	۱۷۸

۱۸۰	نفی ارتباط این تفسیر با ابن عباس
۱۸۰	بررسی و نقد دیدگاه ریپین
۱۸۳	مقایسه تحلیل ادبی ونزبرو و ریپین
۱۸۵	بررسی و تحلیل تفسیر منسوب به ابن عباس
۱۸۵	بررسی و تحلیل سند
۱۸۶	مقایسه نسخه‌ها
۱۸۹	مقایسه تفسیر منسوب به ابن عباس (تنویرالمقابس یا الواضح)
۱۹۱	ابو محمد در چیست؟
۱۹۵	تاریخ کتاب
۱۹۶	ارتباط تفسیر منسوب به ابن عباس (الواضح) با تفاسیر پیشین
۱۹۶	رابطه تفسیر الواضح با تفاسیر پیشین
۱۹۷	مائه منقبه من مناقب و مناقب
۱۹۸	معرفة السنن و الآثار
۲۰۰	شواهد التنزیل
۲۰۰	الكشف و البیان
۲۰۱	سعد السعود
۲۰۴	رابطه الواضح با روایات تفسیری ابن عباس در تفسیر محمد
۲۰۵	مقایسه با تفسیر مجاهد
۲۰۶	مقایسه با تفسیر القرآن عبدالله بن وهب بن مسلم (۱۲۵- / ق)
۲۰۹	مقایسه با تفسیر عبدالرزاق الصنعانی (۱۲۶- ۲۱۱ ق)
۲۱۱	مقایسه با تفسیر جامع البیان
۲۱۴	رابطه الواضح با آموزه‌های تفسیری سایر مفسران صدر اسلام
۲۱۴	تفسیر ابن وهب
۲۱۶	تفسیر عبدالرزاق الصنعانی
۲۱۶	تفسیر مجاهد
۲۱۷	تفسیر طبری
۲۱۸	بررسی و تحلیل متن تفسیر منسوب به ابن عباس

۲۲۱	تبیین لغوی و نحوی
۲۲۳	اختلاف قرائات
۲۲۴	ناسخ و منسوخ
۲۲۵	محکم و متشابه و سایر مباحث علوم قرآنی
۲۲۶	گونگی نزول قرآن و سبب نزول
۲۲۹	مباحث فقهی
۲۳۰	تاریخی
۲۳۲	مباحث کلامی
۲۳۵	تأویل
۲۳۵	بیان مصادیق تطبیق آیات به اشخاص
۲۳۶	تحلیل و نتیجه‌گیری
۲۳۹	فصل ششم: بررسی و تحلیل مفادی اللغات فی القرآن و مسائل نافعین ازرق
۲۳۹	آرای خاورشناسان
۲۴۰	دیدگاه ونزبرو
۲۴۳	دیدگاه ریپین
۲۴۶	بررسی و نقد آرای خاورشناسان درباره اللغات فی القرآن
۲۴۶	زبان قرآن
۲۵۰	واژگان بیگانه در قرآن
۲۵۶	نقد دیدگاه ونزبرو درباره اللغات فی القرآن
۲۵۸	نقد دیدگاه ریپین درباره اللغات فی القرآن
۲۶۳	تحلیل و بررسی اللغات فی القرآن
۲۶۷	مقایسه اللغات با تفاسیر اولیه
۲۷۲	مقایسه واژگان بیگانه در اللغات با تفاسیر اولیه
۲۷۴	نقد آرای ونزبرو درباره مسائل نافعین ازرق
۲۷۵	تبیین معنای واژگان
۲۷۶	عدم استناد به شعر در تفاسیر اولیه

۲۷۷	مخالفت با شعر
۲۷۹	مخالفت با تفسیر
۲۸۲	بررسی و تحلیل مسائل نافع بن أزرق
۲۸۲	نگاهی تاریخی به پرسش‌های نافع بن أزرق
۲۸۴	مباحثه‌های مسائل نافع بن أزرق
۲۸۵	نایب مسائل نافع بن أزرق با تفاسیر اولیه
۲۸۷	بررسی و تحلیل شواهد
۲۸۹	علل سایر سجع این آثار به ابن عباس
۲۹۳	خاتمه
۳۰۱	پیوست‌ها
۳۰۳	پیوست الف: فهرست ۱
۳۱۴	پیوست ب: فهرست ۲
۳۱۸	پیوست ج: فهرست ۳
۳۳۵	پیوست د: نمودار ۱
۳۳۶	پیوست هـ: نمودار ۲
۳۳۷	پیوست و: نمودار ۳
۳۳۹	فهرست منابع
۳۵۱	فهرست اعلام

مقدمه

همه دانشمندان مسلمان از گذشته تاکنون، و بسیاری از خاورشناسان، عبدالله بن عباس را چهره‌ای بارز و تأثیرگذار در پیشرفت تکوین علوم مختلف اسلامی از جمله تفسیر، واژه‌شناسی، تاریخ، و فقه می‌دانند. نقش بارز و ویژه در تفسیر بی‌بدیل است. خاورشناسان برجسته‌ای چون اشپرنگر، نولدکه، شوالیه، و مونسیر، طی سه نسل اسطوره‌شکنی اروپاییان، چهره شاخص ابن عباس در علوم اسلامی را مورد تشکیک جدی قرار دادند. نخستین بار اشپرنگر ابن عباس را به دروغ‌گویی مهم‌ترین از وی، نولدکه و شوالیه، با اشاره به تعارض اقوال منسوب به ابن عباس، بازسازی ارائه تفهیمی او را به سبب وقوع جعل گسترده به نام وی ناممکن دانستند و از سوی دیگر صاحب نظر بودن او در بسیاری موارد را افسانه نامیدند؛ با این حال، آن دو معتقد بودند ابن عباس قهار حوزه علوم مختلف فعالیت داشته که بعدها روایاتی بر ساخته و به وی نسبت داده شده است. گولدتسیهر ضمن تبیین منزلت و جایگاه ابن عباس در تفسیر، گونه‌گونی روایات تفسیری منسوب به وی را ناشی از همین شهرت و اعتبار دانست؛ اما این نظریه که در طول تاریخ پدیده‌ای نامحسوس‌تر از دروغ و جعل صورت گرفته، نخستین بار از سوی بیرکلند مطرح شد. او نسبت دادن روایات تفسیری به ابن عباس را بیانگر این واقعیت جامعه‌شناختی می‌داند که محتوای این روایات، درواقع، عقیده رایج میان مسلمانان در پایان قرن دوم است. از سوی دیگر، ناگل انتساب روایات تفسیری فراوان به ابن عباس را ناشی از دوران سلطه و حکومت عباسیان می‌داند که، در کنار تأکید بر خویشاوندی با پیامبر (ص)، با

ترسیم جایگاه و منزلت ویژه نیای خود در تفسیر و سایر علوم در صدد مشروعیت بخشیدن به حکومت خود بودند. ژلیو با اسطوره‌ای نامیدن گزارش‌های تراجم‌نگاران مسلمان درباره ابن عباس، انتساب این حجم گسترده از روایات به وی را ناشی از سستی رایج و متداول در جامعه اسلامی، یعنی اعتبار بخشیدن به یک عقیده با انتساب آن به سلف صالح، می‌داند. او اقوال منسوب به ابن عباس را نه تنها نمایانگر اجماع و اتفاق نظر مسلمانان در قرون نخست، بلکه منعکس‌کننده اختلاف‌نظرها نیز می‌داند، زیرا صاحبان عقاید گوناگون با انتساب آرای خود به وی در صدد کسب مشروعیت و اعتبار بودند. برگ در حدیث دیدگاه ناگل معتقد است که اهمیت و جایگاه ابن عباس در تفسیر را نمی‌توان صرفاً ناشی از تبلیغات عباسیان دانست، زیرا شهرت او در تفسیر پیش از آنکه عباسیان نقش مهم در بسط استیفا کنند نیز به‌خوبی مشهود است؛ اما به هر حال نقش اختلاف او را نیز نباید نادیده گرفت. از زمانی که گولدسیهر، ابن عباس را ابرمرد تفسیر نامید و به اعتبار و منزلت او در تفسیر اشاره کرد و شیوه‌های خاص او در تفسیر، مانند استناد به شعر و تفسیر قرآنی را تبیین نمود، توجه قرآن‌پژوهان غربی به روایات تفسیری و آثار منسوب به ابن عباس بیشتر شد. علاوه بر روایات تفسیری فراوان، سه اثر تفسیری مستقل به ابن عباس نسبت داده شده است:

۱. *تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس*، که تفسیری مختصر اما کامل بر قرآن است؛
 ۲. *مسائل نافع بن أرق*، که مجموعه‌ای مشتمل بر بیست و هفت معنای حدود دویست واژه قرآن با استشهاد به شعر است؛
 ۳. *اللغات فی القرآن*، که فهرستی است از واژه‌های قرآن بر اساس ترتیب سوره که در آن معنای واژه با انتساب آن به لهجه یکی از قبایل عرب یا زبانی بیگانه بیان شده است.
- گولدسیهر، با استناد به اثر دوم، ابن عباس را بنیانگذار تفسیر لغوی نامید؛ اما داوری درباره صحت انتساب *تنویر المقباس* به ابن عباس را منوط به مقایسه این کتاب با نسخ خطی و سایر اقوال تفسیری ابن عباس دانست. ونزبرو با ناکارآمد خواندن اسناد در بررسی وثاقت متون کهن، از جمله تفاسیر، با ارائه دوازده ابزار تفسیری و تقسیم‌بندی تفاسیر پیش از طبری به پنج گونه، شیوه تحلیل ادبی را برای تاریخ‌گذاری متون کهن پیشنهاد کرد. او و پس از وی شاگردش ریبن، این آثار را به‌سبب ویژگی‌های ادبی و ابزار تفسیری به‌کاررفته در آن‌ها متعلق به قرن سوم هجری می‌دانند و انتساب آن‌ها به ابن عباس را انکار می‌کنند.

مسئله صحت انتساب و تاریخ‌گذاری متون کهن تفسیری، درواقع، بخشی از بحث و منازعه درباره وثاقت همه متون کهن روایی است. محور اصلی نزاع در باب وثاقت متون نیز مربوط به ارزش و اعتباری است که خاورشناسان برای سلسله اسناد قائلند. در رابطه با این مسئله سه جریان اصلی وجود دارد: گروهی از خاورشناسان نیز، مانند مسلمانان، سند را ضامن نسبتاً مطمئن می‌دانند که وثاقت تاریخی متن را نشان می‌دهد. گروه مقابل شکاکان هستند که اسناد را به طور کلی جعلی می‌دانند و معتقدند راویان یا مدّونان کتب اولیه، اسناد را جعل کرده‌اند تا بر تقدم تاریخی متنی متأخر و در نتیجه اعتبار و وثاقت متن دلالت کنند. گروهی نیز خاورشناسان نیز موضعی میانه دارند، یعنی معتقدند که اگرچه جعل صورت گرفته است اما پدیده‌ای فراگیر نبوده است. پژوهش‌های گروه نخست به طور عمده مبتنی بر سند است. حال آنکه گروه دوم به طور کلی اسناد را نامعتبر می‌دانند و برای تعیین وثاقت روایات، صرفاً به متن توجه دارند. گروه سوم نیز معتقدند که برای تعیین وثاقت روایات باید به بررسی سند و سند هر دو پرداخت.

بی‌هیچ تردیدی آرای گولدزیهر، شناخت، که از خاورشناسان شکاک‌اند، بیشترین تأثیر را در حدیث‌پژوهی غربیان در قرن بیستم داشته است. گرایش به تشکیک در وثاقت متون حدیثی به طور جدی با مطالعات گولدزیهر آغاز شد. او، با تأکید بر سیاست منع کتابت حدیث و نقل شفاهی حدیث در دهه‌های نخست هجری و ارائه نمونه‌های فراوان از احادیثی که با انگیزه‌های گوناگون بیان فقهی، کلامی، و... جعل شده است، نتیجه گرفت که سند روایات قابل اعتماد نیست و نقد حدیث در میان مسلمانان، به دلیل آنکه متکی بر سند و اطلاعات رجالی بوده بی‌شایسته است. او معتقد بود اگرچه روایاتی از زمان پیامبر (ص) وجود داشته، اما به سبب رفوع جمع و گسترده قابل شناسایی نیست، بر همین اساس او نتیجه گرفت که برای شناسایی تاریخ صدر اسلام یعنی زمان پیامبر (ص) و صحابه نمی‌توان از حدیث استفاده کرد و درون حدیثی تنها برای شناخت دوران بعدی جامعه اسلامی به کار می‌آید؛ زیرا این احادیث در آن دوران جعل شده است و درواقع بازتابی از تحولات مذهبی، سیاسی، و اجتماعی دو قرن نخست هجری است.

در نیمه قرن بیستم شناخت شکاکیت را وارد مرحله‌ای فراتر کرد. به‌رغم اعتقاد گولدزیهر به وجود هسته اصلی از روایات پیامبر (ص)، شناخت بر این باور بود که

اصولاً چنین هسته اولیه و موثق وجود نداشته است. او در کتاب مبادی فقه اسلامی این دیدگاه را مطرح کرد که در ابتدا فقه و شریعت اسلامی هیچ ارتباطی با سنت نبوی نداشته و مستند ساختن فقه به احادیث نبوی در قرن سوم صورت گرفته است. از دیدگاه وی، این امر پیامد غلبه نفوذ محدثان و نتیجه تأکید شافعی بر اهمیت احادیث نبوی بوده است. به اعتقاد وی، نخستین مذاهب فقهی براساس سنت رایج در جامعه به خود آمد و بیشتر مبتنی بر آرا و نظریات علما بود؛ اما بعدها این دیدگاه‌های فقهی برای سبب اعتبار با سندهایی برساخته به تابعین، صحابه، و پیامبر (ص)، به ترتیب، نسبت داده شد. از این رو ساخت احادیث فقهی را نمایانگر تحولات سیاسی، فقهی، و کلامی دو قرن نخست هجری می‌دانست، نه نشان‌دهنده ویژگی‌های دوران پیامبر (ص). موج جریان سکات پس از ساخت رو به افول نهاد؛ اما در اواخر دهه ۱۹۷۰، جریان جدیدی از تشکیک در سنت کهن اسلامی به وجود آمد که اگرچه محور اصلی آن قرآن و تفاسیر اولیه بود، اما هم‌زمان با مختلف مطالعات اسلامی را تحت تأثیر قرار داد. ونزبرو با این فرضیه که قرآن را باید همان شیوه‌ها و ابزاری که در نقد عهدین به کار رفته مورد بررسی قرار داد، به تحلیل ادبی قرآن و سایر متون کهن اسلامی از جمله تفسیر، حدیث، و تاریخ پرداخت. او، با تکیه بر شیوه تحلیل ادبی و مردود شمردن همه گزارش‌های تاریخی منابع اسلامی، قرآن را حاصل یکی تحول سازمان‌یافته و منسجم از نقل‌های کاملاً مستقل در یک دوره طولانی نقل شفاهی می‌داند. به اعتقاد وی، تثبیت نهایی متن قرآن در قرن سوم صورت گرفته است. بدین ترتیب، اگر گولدتسیهر پیوند حدیث با پیامبر (ص) را مورد انکار قرار داد و ساخت هرگونه ارتباط میان قرآن و پیامبر (ص) را احادیث و سنت نبوی را متفی دانست، ونزبرو هرگونه ارتباط میان قرآن و پیامبر (ص) را مردود شمرد. ونزبرو با این پیش‌فرض و رویکرد به بررسی تعدادی از تفاسیر بهایی بیش از طبری که در آن زمان به طور عمده به صورت نسخه خطی بود پرداخت. بر اساس دو معیار سبک و کارکرد این تفاسیر را به پنج گونه داستانی، فقهی، متنی، بلاغی، و تمثیلی تقسیم کرد و برای به‌کارگیری ابزارهای تفسیری و پیدایش گونه‌های مختلف تفسیر تقدم و تأخر زمانی قائل شد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، او و ریپین با نادیده انگاشتن اسناد و بر اساس تحلیل ادبی، آثار منسوب به ابن عباس را متعلق به قرن سوم می‌دانند و انتساب آن‌ها به ابن عباس را نفی می‌کنند.

این پژوهش کوشیده است، با مراجعه به منابع اصلی، دیدگاه‌های خاورشناسان درباره وثاقت متون حدیثی و تفسیری و نحوه تاریخ‌گذاری آن‌ها را تبیین کند و کاستی‌های مهم روش‌شناختی و استدلالات و استشهادات آن‌ها را بنمایاند. همچنین ضمن استفاده از نتایج تحقیقات آن‌ها با توجه به سایر شواهد مهم در مسئله بررسی وثاقت متون تفسیری منسوب به ابن عباس، مانند بررسی و تحلیل سند، تحلیل متن، شخص‌شناسی ابن عباس، و مقایسه این آثار با روایات تفسیری ابن عباس در منابع کهن، تلاش شده گامی کوچک در جهت دفاع از وثاقت و اعتبار میراث کهن اسلامی در برابر تشکیک خاورشناسان بردارد؛ البته دیدگاه‌های شکاکانه گولدتسیهر و شاخست درباره وثاقت متون حدیثی از سوی دانشمندان مسلمان و برخی از خاورشناسان مورد نقد قرار گرفته است. در این میان، اثر عظیم فؤاد سزگین، یعنی تاریخ نگارش‌های عربی و دو کتاب مصطفی المصطفی و عناوین پژوهش در متون حدیثی اولیه و نقد مبادی فقه اسلامی شاخست از دو جنبه متدبیر برجسته‌اند: نخست آنکه این آثار به دلیل نگارش به زبان‌های آلمانی و انگلیسی در میان پژوهشگران غربی مخاطبان زیادی یافته است؛ دیگر آنکه این آثار با بیان استوار و متقن و ارائه نظریات نوین به همراه شواهد فراوان، نمونه‌هایی بارز و ارزشمند از نقد علم است و تا آنجا که نگارنده این سطور جست‌وجو کرده، از نقد انگیزه‌ها، که معمولاً به جهت عمده در بررسی آثار خاورشناسان است، به دور مانده است.

اما درباره آرای ونزبرو، جز چند معرفی و بررسی بر دو کتاب مطالعات قرآنی و محیط فرقه‌ای که خاورشناسان و برخی از پژوهشگران مسلمان فعال در محیط آکادمیک غرب به زبان لاتین نگاشته‌اند و چند مقاله که در حوزه‌های قرآن‌پژوهی غرب درباره معرفی و تبیین و نقد نظریه‌ها و شیوه تحلیل ادبی وی به رشته تحریر درآمده، پژوهشی صورت نگرفته است. همین امر یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های این تحقیق بوده است که البته با محوریت آرای او و شاگردش ریبن درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس صورت گرفته است. علاوه بر این، دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار تفسیری ابن عباس نیز تاکنون بررسی، تبیین، و نقد نشده است. این آثار به سبب آنکه با مسائلی مهم در مباحث علوم قرآن و تفسیر یعنی استناد به شعر، وجود واژگان بیگانه در قرآن، و زبان قرآن مرتبط است، از اهمیت خاصی برخوردار است. ونزبرو و ریبن تنها بخشی

از این آثار را به لحاظ ادبی بررسی کرده و بدون توجه به سند و اطلاعات و شواهد و قرائن دیگر انتساب این آثار به ابن عباس را انکار کردند. در این پژوهش، ضمن تبیین و نقد آرای خاورشناسان، با بررسی دقیق سند و متن و مقایسه این آثار با آرا و آموزه‌های تفسیری ابن عباس در متون تفسیری کهن و همچنین ارائه آمارهای گوناگون انتساب این آثار به ابن عباس ارزیابی شده است.

در این پژوهش دیدگاه‌های خاورشناسان، در اکثر قریب به اتفاق موارد، با استناد به منابع اصلی تبیین شده است. در نقل آرای پژوهشگران غربی سعی شده که امانت به طور کامل رعایت شود. همچنین در نقد نظرات و دیدگاه‌ها، نهایت تلاش این بوده که از نقد انگیزه‌ها پرهیز شود. این آرای خاورشناسان و بررسی میزان اعتبار و صحت انتساب متون تفسیری منسوب به ابن عباس، علاوه بر بررسی دقیق ساختار سندهای گوناگون این آثار، متن آن‌ها نیز به طور قیاسی مطالعه شده است. همچنین، برای شناسایی مؤلفان و زمان تألیف این آثار، شواهدی گوناگون در سندهای خطی و متون کهن دیگر جست‌وجو و فراهم آورده‌ایم؛ و سرانجام، برای ارزیابی صحت محتوای این آثار با آموزه‌های تفسیری ابن عباس، متن این سه اثر را با اقوال ابن عباس در تفاسیر بسیار کهن مانند تفسیر مجاهد، سفیان ثوری، مقاتل بن سلیمان، عبدالرزاق صنعانی، و تفسیر طبری مقایسه کرده‌ایم.

این کتاب دربرگیرنده شش فصل و شش ضمیمه است. فصل اول مشتمل بر دو بخش است. در بخش نخست به قرآن پژوهی در غرب و در بخش دوم به حدیث پژوهی در غرب پرداخته‌ایم. فصل دوم به معرفی، تبیین، و روش‌شناسی درباره تدوین و تثبیت نهایی متن قرآن و شیوه تحلیل ادبی او اختصاص دارد. در فصل بعدی آرای مختلف خاورشناسان درباره وثاقت متون تفسیری کهن و شیوه تاریخ‌گذاری آن‌ها توضیح داده شده است. فصل چهارم نیز شامل دو بخش است که یکی به تاریخچه زندگی ابن عباس بیان و در دیگری مواضع عقیدتی و سیاسی او تبیین شده است.

در فصل پنجم، مفصل‌ترین فصل کتاب، ابتدا آرای خاورشناسان درباره تفسیر منسوب به ابن عباس بیان و سپس نقد شده است؛ آنگاه، با استناد به شواهد گوناگون، این تفسیر تاریخ‌گذاری و مؤلف آن شناسایی شده است و با استناد به مقدمه یکی از نسخ خطی که رابطه این تفسیر با تفسیر کلبی را رابطه اجمال و تفصیل نامیده است، این رابطه تبیین و همچنین پیوند این تفسیر با آموزه‌های تفسیری ابن عباس ارزیابی شده

است. بدین ترتیب در واقع نظریات عالمان و پژوهشگران مسلمان درباره این تفسیر نیز به نقد کشیده شده است؛ زیرا همه آن‌ها هر گونه پیوند میان این تفسیر با ابن عباس را، به سبب اینکه سیوطی سند آن را سلسله الکذب نامیده، نفی کرده‌اند، بدون اینکه متن این تفسیر را با آرای تفسیری ابن عباس مقایسه کنند.

فصل ششم به معرفی و نقد دیدگاه‌های خاورشناسان درباره دو اثر لغوی منسوب به ابن عباس یعنی *مسائل نافع بن أزرق و اللغات فی القرآن* اختصاص دارد. در این فصل، به اقتضای ویژگی‌های این دو اثر، به مباحثی چون واژگان بیگانه در قرآن و زبان قرآن پرداخته شده است.

ضمایم شامل فهرست و سه نمودار است. در فهرست نخست معنای واژگان موجود در *اللغات* از سه جزء تا انتهای سوره هود با تفاسیر اولیه مقایسه شده است. در فهرست بعدی این تفسیر به موارد همه واژگانی صورت گرفته که در *اللغات* با انتساب به زبانی بیگانه معنی شده است فهرست سوم شامل مقایسه شرح و توضیح واژگان در *مسائل نافع بن أزرق* و *تفاسیر ابن عباس* است. نمودار نخست، سلسله سند نسخه‌های خطی و چاپی مختلف تفسیر منسوب به ابن عباس است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. نمودار دوم سلسله سند نسخه‌های مختلف *اللغات فی القرآن* و نمودار سوم سلسله سند *مسائل نافع بن أزرق* و *اتقان سیوطی* و همچنین طریق ابوبکر انباری و طبرانی به بخشی از این مجموعه است.

در نهایت لازم است از همه اساتیدی که در طول این پژوهش مرا راهنمایی کرده‌اند سپاسگزاری کنم؛ به‌ویژه از استاد ارجمند دکتر محمد علی مهدوی را به این پژوهش با نظارت و راهنمایی ایشان به‌انجام رسیده است و دکتر محمد علی لسانی و دکتر کاظم قاضی‌زاده که مرا از راهنمایی‌های ارزشمند خود بهره‌مند ساختند.

اما انجام این پژوهش به یقین بدون پشتیبانی و کمک بنیاد دانشنامه جهان اسلام به‌ویژه کارکنان محترم کتابخانه بنیاد میسر نمی‌شد، همچنین در آغاز و انجام این امر مرهون راهنمایی‌ها و کمک‌های بی‌دریغ و خالصانه آقای مرتضی کریمی‌نیا می‌باشم. تهیه لوح فشرده نسخه خطی تفسیر کلبی از استانبول، معرفی منابع لاتین، و فراهم آوردن امکان دسترسی به آن‌ها، تنها بخشی از این کمک‌هاست. همچنین به‌سامان رسیدن این پژوهش نتیجه زحمات همه آموزگاران و اساتیدی است که در مسیر

طولانی و پرفرازونشیب تحصیل، چراغ‌های فروزان راهم بودند؛ از صمیم قلب از آن‌ها سپاسگزاری می‌کنم و یادشان را گرامی می‌دارم؛ البته در ورای همه این‌ها، زحمات بی‌شائبه پدر و مادری مهربان است که به تحصیل فرزندان‌شان عشق می‌ورزیدند و از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. سرانجام از همگامی و یاری‌های صمیمانه همسر و فرزندانم که در طول دوران تحصیل همواره مشوق و یاورم بودند، صمیمانه سپاسگزارم.

www.ketab.ir